

بزه دیده شناسی و پیشگیری از بزه دیدگی

ساناز الستی (کارشناس ارشد حقوق کیفری)

معصومه حسن پور (کارشناس ارشد حقوق کیفری)

بزه‌شناسی از شاخه‌های جرم‌شناسی می‌باشد و کمتر از یک سده پس از تولد جرم‌شناسی و در سال‌های اخیر اعلام وجود نموده است. در بزه دیده‌شناسی به دلیل غفلتی که سالیان سال در خصوص مجنی‌علیه (بزه دیده) مطرح بوده، پژوهش‌ها بر قربانی جرم متمرکز شد تا نقش شخصیت او در تکوین جرم معین گردد و این امر تحول عمیقی در علت شناسی جنایی بود و بزه دیده‌شناسی شکل گرفت و به مرحله‌ای رسید که لازم است بزه دیده بیش از پیش مورد توجه واقع شود.

در این نوشتار برای آشنایی با مفاهیم نخستین بزه دیده‌شناسی ابتدا به برخی تعاریف می‌پردازیم و پس از آن با مطرح ساختن عوامل بزه دیدگی و تئوری‌های بزه دیده‌شناسی به تدابیر پیش‌گیرانه‌ای می‌پردازیم که امروزه به پیش‌گیری بزه دیده‌شناختی موسوم شده است. در جهت پیش‌گیری از بزه‌دیدگی راه‌های گوناگونی وجود دارد که برخی از آنها به عهده جامعه و بعضی بر عهده شهروندان است که در اینجا تنها به مورد دوم پرداخته می‌شود.

بزه دیده‌شناسی، را دکتر کی‌نیا چنین تعریف می‌کند: بزه دیده‌شناسی یا مجنی‌علیه شناسی شاخه جدیدی از جرم‌شناسی است که به بررسی قربانی مستقیم جرم می‌پردازد. بنابراین شناخت بزه دیده و آنچه به او مربوط می‌شود موضوع این دانش‌نویس است. در این دانش شخصیت، صفات زیستی، روانی و اخلاقی و خصوصیات اجتماعی و فرهنگی بزه دیده و سهم او در تکوین جرم و رابطه‌اش با مجرم مورد بررسی قرار می‌گیرد.

بزه‌دیدگی، عمل قربانی کردن مجرمانه را بزه دیدگی می‌گویند. عمل مجرمانه‌ای که شخص قربانی آن می‌گردد؛ می‌تواند قتل، سرقت، تجاوز به عنف و بسیاری از جرایم دیگر باشد، فردی هم که قربانی چنین عمل مجرمانه‌ای قرار می‌گیرد ممکن است زن، مرد، پیر یا جوان باشد به عبارتی همان‌گونه که جرایم متنوع هستند بزه دیدگان هم متنوع و گوناگون‌اند.^(۱)

بزه دیده کسی است که یک خسارت قطعی آسیبی به تمامیت جسمی او وارد کرده است و اکثر افراد جامعه هم به این مسأله اذعان دارند. هانس فون هنتینگ پدر علم بزه دیده‌شناسی، بزه دیده را چنین تعریف نموده: که بزه دیده جرم مانند کسی است که کالبد عمل مجرمانه را تشکیل داده است. هنتینگ بزه دیده را در مفهوم مضیق خود مطرح ساخت که ناظر بر مجنی‌علیه است.

آماج، اوضاع و احوالی است که گذر به عمل مجرمانه را تسهیل می‌کند. خطر گذر به عمل مجرمانه ناشی از ایجاد ارتباط بین یک نشانه فریبنده بدون محافظ با یک مجرم بالقوه‌ای است که عموماً به تحلیل استراتژیک منافع و خطرات این عمل می‌پردازد.

بزه دیدگی ثانوی، در صورتی که بزه دیده یک جرم برای بار دوم قربانی شود نشانه‌ای از آسیب‌پذیری است و نشان می‌دهد که بزه دیده بیش از حد در معرض خطر قرار دارد و این امر

می‌تواند برای شناخت ویژگی‌های خاص مؤثر در بزه دیدگی مفید باشد و با استفاده از آن می‌توان جرایم زیادی را کشف کرد.

بزه دیدگی غیر مستقیم، در فرانسه مراکز کمک، به بزه‌دیدگان غیر مستقیم کمک نمی‌کنند اما در آمریکا برنامه‌هایی برای حمایت از بزه‌دیدگان غیر مستقیم وجود دارد؛ از جمله بزه‌دیدگان غیر مستقیم قتل که نزدیکان بزه‌دیده قتل می‌باشند و لازم است که مورد حمایت قرار گیرند چون دانستن این امر که فردی را که دوستش داشتیم، عادلانه کشته شده می‌تواند ضربه‌ای ناراحت‌کننده باشد و تأثیرش حتی تا سالیان سال باقی باشد و چنین تجربه‌ای لزوماً (آسیب) می‌باشد و منجر به اضطراب می‌شود. درگیری بزه‌دیده غیر مستقیم با سیستم قضایی اضطراب را بغرنج‌تر می‌نماید. در زمان بازجویی پلیس جزئیات رویداد را بازگو می‌کند، اطلاعات نامناسب و غیر دقیق را از دیدگاه یا وسایل ارتباط جمعی در خصوص از دست رفته خود می‌شنود و معمولاً حکم محکومیت همیشه قطعی نیست و اگر قاتل هرگز دستگیر نشود رنج درونی فرد ممکن است عمیق‌تر گردد. به همین دلیل حضور گروه‌های حمایتی قتل برای کمک نمودن به مشکلات بزه‌دیدگان غیر مستقیم مفید است. آنها می‌توانند به فرد کمک نمایند تا بدانند تنها نیست و دیگران نیز بوده‌اند که چنین وضعیت بغرنجی را تجربه نموده‌اند. مشاوران می‌توانند به این فرد برای درک سختی آسیب مرگ یاری نمایند. برنامه‌های حمایتی در طول دادرسی می‌توانند به فرد کمک نمایند و متخصصین می‌توانند برای آشنایی فرد با حقوق بزه‌دیده در ایالت مربوطه کمک نمایند. چون این افراد متحمل هزینه‌های مختلفی می‌شوند در تمام ایالات برنامه‌های جبران خسارت خانواده بزه‌دیده برای برخی از هزینه‌ها وجود دارد مثل هزینه کفن و دفن، هزینه‌های پزشکی، مشاوره و هزینه‌های دیگری که معقول به نظر برسد.^(۲) در سال ۱۹۹۹، ۷۶٪ از بزه‌دیدگان قتل عمدی در آمریکا مرد بودند (در نتیجه به احتمال زیاد بزه‌دیدگان غیر مستقیم آنان بیشتر زنان بودند که نیاز به حمایت بیشتری دارند).

بزه دیدگان بالقوه، گاه خصوصیات فردی مؤثر در بزه دیدگی است. عده‌ای از افراد به واسطه ویژگی‌های روانی، جسمی و رفتاری بزه‌کاران بالقوه را به سوی خود جلب می‌کنند و به دلیل رفتارهای خاصی که دارند یا نوع رفتار متقابلشان با مجرمین، بزه‌دیده واقع می‌شوند.^(۳)

NCVS مرکز تحقیقات بزه‌دیده‌شناسی ملی در آمریکا می‌باشد. این مرکز روش صحیحی را برای ارزیابی بزه دیدگی در آمریکا اتخاذ نموده است. هر ساله آمار از افرادی که بالغ بر ۹۴۰۰۰۰ نفر هستند به عنوان نمونه در نظر گرفته می‌شوند و از آنها خواسته می‌شود که در مورد بزه دیدگی خود در خصوص جرایمی مثل تجاوز، سرقت، حمله، ورود غیر مجاز، سرقت وسایل نقلیه گزارش دهند. به دلیل توجه نمونه‌های انتخابی و تعداد زیاد آنها، آمار NCVS نسبتاً بی‌طرفانه است. اما آمار U.C.R (Uniform crime report) برای ما تصور دقیقی فراهم نمی‌کند زیرا بسیاری از جرایم به FBI گزارش نمی‌شود. اما NCVS نیز مشکلاتی در روش‌های اجرایی خود دارد در نتیجه یافته‌های آن باید با احتیاط تفسیر شود. از جمله این مشکلات:

- گزارش‌های زیادتر از واقع توسط بزه دیدگان، تفاسیر غلط از حوادث، برای مثال یک کیف پول گمشده ممکن است سرقت گزارش شود یا در باز ممکن است شروع به جرم ورود به ملک دیگری در نظر گرفته شود.

- گزارش ناشی از اضطراب یا ترس از درگیر شدن یا فراموشی ساده یک حادثه.

- ناتوانی گزارش در خصوص عمل مجرمانه دیگری به دلیل استفاده از مواد مخدر و مشروب...

- سؤالات نامناسب مصاحبه‌گرها که پاسخ‌های غیر معتبر به همراه دارد.^(۴)

علل بزه دیدگی

آمار به عنوان یک سنج، ویژگی‌های جرایم را برای ما بیان می‌کند و به ما این امکان را می‌دهد که اطلاعاتی در مورد بزه دیدگان جرایم به دست آوریم. مطابق با دستاوردهای NCVS، اعمال مجرمانه حوادث اتفاقی نیستند اما نمایانگر طولانی مدت استواری هستند که با عوامل شخصی یا بوم شناختی شکل گرفته‌اند.

۱- بوم شناسی اجتماعی: دستاوردهای NCVS به ما نشان می‌دهد که جرایم خشونت آمیز در

این اماکن بسیار به وقوع پیوندد:

۱- در یک محل عمومی باز مانند یک خیابان، پارک یا مزرعه؛

۲- در ساختمان مدرسه؛

۳- در مؤسسات تجاری؛

از نظر زمانی معمولاً مهم‌ترین گروه از این جرایم مانند تجاوز، حمله مشدد بعد از ساعت ۶ بعد از ظهر به وقوع می‌پیوندد و جرایم کم اهمیت و سرقت‌های کم اهمیت مانند کیف قاپی بیشتر در طول روز به وقوع می‌پیوندد. تقریباً ۲/۳ تجاوزها و حمله‌های جنسی از ۶ بعد از ظهر تا ۶ صبح به وقوع می‌پیوندد.

بزه‌دیدگی زنان بر اساس آمار سال ۱۹۹۴ اکثراً در روز اتفاق می‌افتد اما بزه دیدگی مردان به صورت مساوی در شب و روز اتفاق می‌افتد. ۶۰٪ مردان در اماکن عمومی بزه دیده می‌گردند و ۴۷٪ زنان.

خصوصیات محل سکنی هم در بزه دیدگی تأثیر دارد، کسانی که در مرکز شهر زندگی می‌کنند، به‌طور عمده متحمل میزان بالاتری از سرقت و خشونت به نسبت حوالی شهر می‌شوند. مردمی که در شهرهای بزرگ زندگی نمی‌کنند مانند جوامع روستایی معمولاً میزان بزه دیدگی شان نصف شهرها است و مردمی که مالک خانه خود هستند کمتر از مستاجران متحمل جرایم می‌گردند. در زمان سفر نیز زنان کمتر از مردان بزه دیده می‌شوند و مردان در غیر موارد استفاده از وسایل نقلیه بیشتر بزه دیده می‌گردند اما برای زنان خطر بزه دیدگی در زمان استفاده از وسایل نقلیه شخصی افزایش می‌یابد:

۲- عوامل روان شناختی:

۱- صفات نامطلوب مثل سهل‌انگاری، طبع یا اعتماد بالا

۲- بدگمانی آسیب‌شناختی مانند رفتارهای محتاطانه‌ای که مورد توجه مجرمین بالقوه قرار می‌گیرند.

۳- خصوصیات بزه دیده:

جنس: مردان بیشتر از زنان متحمل جرایم خشونت‌آمیز می‌گردند. مردان دو برابر زنان متحمل حمله مرد و سرقت می‌شوند اگر چه زنان ۶ برابر بیشتر از مردان قربانی تجاوز و حمله جنسی می‌شوند. سن: آمار بزه دیدگی، آشکار نموده است که جوانان بیشتر از سالمندان با خطر بزه‌دیدگی مواجه می‌شوند، خطر بزه‌دیدگی به سرعت بعد از ۲۵ سالگی کاهش می‌یابد. افراد بالای ۶۵ سال، که ۱۵٪ جمعیت امریکا هستند تنها ۱٪ بزه دیده خشونت هستند ولی جوانان بین ۱۹ - ۱۲ سال که ۱۵٪ جمعیت هستند بیش از ۳۰٪ بزه دیدگان می‌باشند.

نژاد: سیاه پوست‌ها بیش از سفید پوستان متحمل جرایم خشونت‌آمیز می‌شوند. در میان سیاه‌پوست‌ها بزه دیدگی ۵۶ در هزار و در سفید پوستان ۴۲ در هزار است و سایر نژادها ۳۶ در هزار است و کلاً بزه‌دیدگی بیشتری میان سیاه پوستان و اسپانیایی‌ها ملاحظه می‌گردد. درآمد: زنانی که درآمد کمتری دارند بیشتر بزه دیده می‌شوند. هر چند مردانی که درآمد کمی دارند در خطر بیشتری در برابر بزه دیدگی قرار می‌گیرند.

تحصیلات: زنان و مردانی که تحصیلات کمی دارند (در حد متوسطه و پایین‌تر) بیشترین میزان بزه دیدگان هستند اما در هر سطح تحصیلی مردان بیشتر از زنان بزه دیده هستند.

وضعیت تأهل: براساس بررسی‌هایی که در سال ۱۹۹۴ صورت گرفته است زنان و مردانی که هرگز ازدواج نموده‌اند ۴ برابر بیشتر از کسانی که ازدواج نموده‌اند متحمل بزه‌دیدگی شده‌اند. زنان مطلقه و مردان جدا شده از همسرانشان میزان برابری در بزه دیدگی جرایم خشونت‌آمیز دارند. زنانی که جدا از همسرانشان زندگی می‌کنند ۱/۵ برابر بیشتر از کسانی که هرگز ازدواج نکرده‌اند و نزدیک ۲ برابر کسانی که مطلقه هستند و ۶ برابر زنانی که متأهل هستند بزه دیده می‌شوند و میزان بزه دیدگی زنانی که جدا از همسران خود زندگی می‌کنند متجاوز از میزان بزه دیدگی مردان در هر شرایط تأهل است و این تنها آماری است که زنان بزه دیدگی بیشتری نسبت به مردان دارند.

هم در زمینه بزه دیدگی لازم است فاکتورهایی را که مؤثر در بزه دیدگی است مورد بررسی قرار داد. ارتباط میان بزه دیده و بزه‌کار: این ارتباط نقش مهمی چه در تکوین جرم و چه در انتخاب فرد بزه دیده دارد. یکی از مهم‌ترین تمایزهای میان بزه دیدگی زنان و مردان به دلیل رابطه بزه دیده با بزه‌کار است در خصوص زنان، مرتکب اغلب کسی است که آنان را می‌شناسد. براساس آماری که در سال ۱۹۹۴ به دست آمده است ۶۲٪ بزه دیدگی زنان توسط مرتکبین آشنا و ۳۸٪ توسط افراد ناآشنا صورت گرفته است.

بزه دیدگی ناشی از عمل یک مرتکب یا چندین مرتکب، بیشتر بزه دیدگی‌ها از سوی یک مرتکب است در زنان ۸۳٪ و در مردان ۷۳٪ بزه دیدگی‌ها از سوی یک مرتکب به وقوع پیوسته است (بر اساس آمار سال ۱۹۹۴)

استفاده از اسلحه: مردان بیشتر از زنان در زمان بزه دیده واقع شدن، اسلحه علیه آنها استفاده شده است در زنان به همان نسبتی که با اسلحه گرم مواجه شده‌اند با سایر اشیایی که به جای اسلحه به کار

می‌رود مواجه شده‌اند اما مردان بیشتر با اسلحه گرم روبرو می‌شوند تا با چاقو یا سایر اشیایی که به جای اسلحه به کار می‌رود.

صدمات: اکثر مرتکبین صدمه بدنی به مجنی‌علیه وارد نمی‌کنند. ۳۰٪ زنان بزه دیده مجروح می‌شوند و ۲۲٪ مردان مجروح می‌شوند.^(۵)

تئوریهای بزه دیده شناسی

برای سالیان متمادی، تئوری‌های جرم‌شناسی متمرکز بر اعمال مجرمانه متهم بودند و نقش بزه دیده به گونه محسوسی نادیده گرفته می‌شد. سپس گروهی از محققان پی بردند که بزه دیده یک موضوع خنثی در جرم نمی‌باشد بلکه کسی است که رفتارش می‌تواند بر سرنوشتش مؤثر واقع شود. Stephens chofer بیان می‌کند که بزه دیده ممکن است با نیت قربانی شدن به عمل مجرمانه کمک نماید. در نتیجه تمرکز بر بزه دیده در تشکیل جرم را لازم می‌داند.

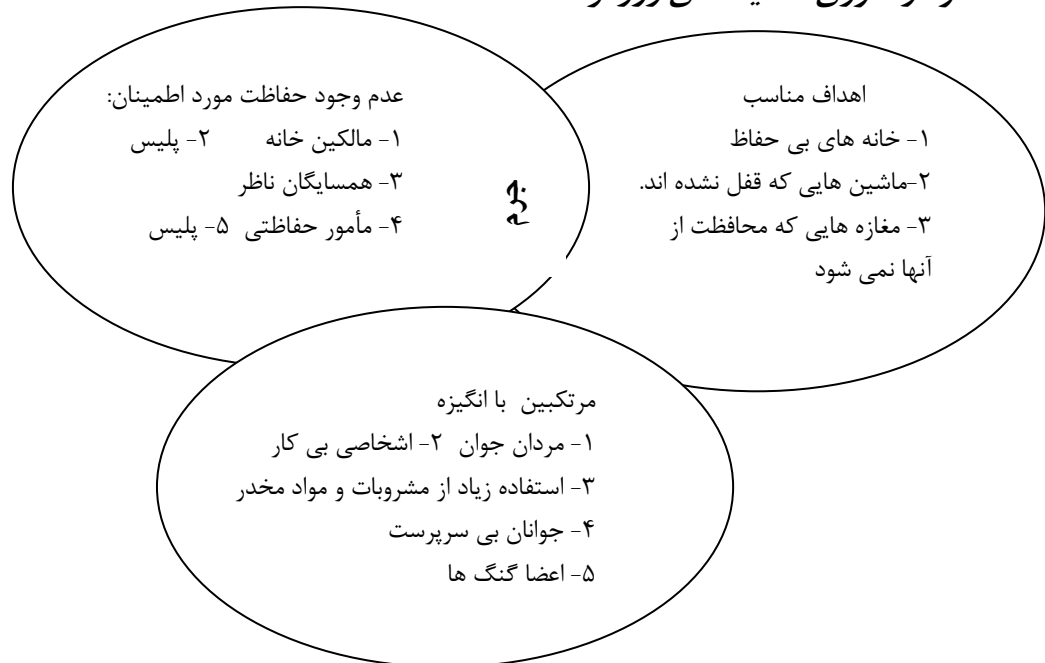
۱- نقش بزه دیده در تحریک و تشویق به عمل مجرمانه: بزه دیدگان ممکن است منجر به تحریک و تشویق اعمال مجرمانه گردند. مفهوم تحریک و تشویق بزه دیده به وسیله ماروین ولف کنگر در مطالعه قتل در سال ۱۹۵۸ شهرت یافت. او پی برد که بزه دیده جرم اغلب در مرگ خود مداخله دارد و ۲۵٪ از تمام قتل‌ها می‌تواند در اثر تحریک یا تشویق بزه دیده صورت گیرد. دو نوع از تحریک و تشویق بزه دیده وجود دارد: الف - تحریک و تشویق فعال: وقتی محقق می‌شود که بزه دیده به صورت محرک عمل می‌نماید و از تهدید و واژه‌های نزاع برانگیز استفاده می‌کند یا حمله ابتدایی می‌نماید. برای مثال برخی از متخصصان پیشنهاد کردند که زنان بزه دیده تجاوز با مهاجمان خود با پوشیدن لباس‌های تحریک کننده یا ادامه رابطه با او همکاری می‌کنند. اگر چه این یافته‌ها نفی شده است. اما دادگاه‌ها در پاره‌ای از موارد در پرونده‌های زنای به عنف اگر اعمال بزه دیده در هر حالتی به عنوان همراهی یا رابطه نامشروع جنسی تفسیر شود، به صدور احکام برائت متوسل شده‌اند.

ب - تحریک و تشویق غیر فعال: وقتی که بزه دیده بدون قصد با توجه به خصوصیات شخصیتی که دارد مهاجم را تشویق می‌کند. برای مثال یک زن هدف یک خشونت ابتدایی قرار می‌گیرد وقتی او موقعیت شغلی‌اش ترقی می‌یابد و نتیجه آن پی زنی وی توسط همسر یا دوست حسودش می‌باشد.

۲- تئوری نوع زندگی: برخی از جرم‌شناسان بر این باورند که افراد ممکن است بزه دیده جرم شوند به دلیل اینکه نوع زندگی آنها امکان اینکه در معرض ارتکاب جرم قرار گیرند را افزایش داده است. خطر بزه دیدگی با چنین اعمالی افزایش می‌یابد: عضویت در کنگ‌ها، اسلحه حمل نمودن، فروش مواد مخدر... امکان بیشتری است که مورد تیراندازی قرار گیرند یا به وسیله گروهی از افراد خودی کشته شوند. یا دانشجویانی که شب‌های زیادی را در هر هفته به میهمانی می‌روند و از مواد مخدر استفاده می‌کنند امکان بیشتری است که متحمل جرایم خشونت‌آمیز گردند نسبت به کسانی که از چنین زندگی اجتناب می‌کنند، این نظریه پیشنهاد می‌کند که یک شخص می‌تواند با کم کردن رفتارهای خطرآفرین امکان بزه دیدگی را کاهش دهد. اساس این نظریه بر این مبناست که جرم یک واقعه اتفاقی نمی‌باشد بلکه بر اساس عملکرد نوع زندگی بزه دیده می‌باشد.

۳- تئوری فعالیت‌های روزمره (عادی): بر اساس این نظریه عمل مجرمانه به وقوع پیوسته و بزه دیدگی در ارتباط با طبیعت خصوصیات زندگی روزانه در رفتار انسان است. مطابق این دیدگاه، میزان جرایم خشن می‌تواند بیانگر سه عامل باشد. فراهم آوردن انگیزه برای مرتکبان (مانند تعداد زیادی از جوانان بی‌کار) هدف‌های مناسب (کالاهایی که ارزش دارند و به راحتی منتقل می‌شوند مانند VCR) و فقدان امنیت مؤثر (محافظت کننده‌ها مانند پلیس) بر اساس این نظریه فعالیت‌های روزمره ممکن است آنها را با خطر مواجه سازد به عنوان مثال اگر اشخاص اشیای گران قیمت را بدون محافظ در منزل رها سازند آنها احتمال اینکه بزه دیده جرم ورود به ملک دیگری قرار گیرند را افزایش می‌دهند. اگر افراد شب هنگام در اماکن عمومی قدم بزنند خطر این را که هدف خشونت قرار گیرند را افزایش می‌دهند. مطابق این رهیافت احتمال بزه دیدگی عملکردی است که به انگیزه مجرمانه و رفتار بالقوه بزه دیدگان مربوط است و این تئوری به نظر می‌رسد که راه مورد اطمینانی برای درک جرم و خصوصیات بزه دیدگی و پیش‌بینی نمودن خطر بزه دیدگی می‌باشد.^(۶)

نمودار تئوری فعالیت‌های روزمره



مشکلات بسیاری در خصوص شناخت علل و عوامل بزه دیدگی وجود دارد که از جمله آنها نداشتن آمار دقیق از بزه دیدگان وجود دارد رقم سیاه وجود دارد و وقتی در ایران آمار بزه دیدگان موجود نباشد امکان تحلیل و بررسی علل و عوامل بزه دیدگی کاهش می‌یابد و تا زمانی که چنین آمار موجود نباشد این امر در ایران به شکل کاربردی میسر نمی‌شود زیرا برای پیش‌گیری از بزه دیدگی لازم است که شهروندان را با قوانین آشنا کنیم و سطح آموزش و تعلیمات را برای آنها بالا ببریم یعنی راهکارهای

ممانعت از بزه دیدگی را به اطلاع افراد برسانیم تا شاید بدین وسیله از میزان افرادی که بزه دیده می‌شوند کاسته شود.

منابع:

۱- نسرین، مرتضوی - جایگاه زنان بزه دیده در قلمرو سیاست جنایی ایران - پایان‌نامه کارشناسی ارشد - مجتمع آموزش عالی قم - سال ۷۶ - ۷۵ صفحه ۱۳.

۲_ Homicide covictimization, office for victims of crime, February ۲۰۰۲ ,
WWW.ojo.usdog.gov/bjs/

۳_ Criminal victimization, ۱۹۷۳ _ ۹۵. BJS,NCJ,۱۶۳۰۶۹_April,۱۹۹۷.

۴_ Joseph.J.senna,larry.J.siejel,op_sit,page۴۳.

۵_ Dian Craven,sex differences in violent victimi zot on,Bureau of justice.
statistics,September ۱۹۹۷ ,www.ojp us doj.jov/bjs/

۶_ Joseph.j_senna.larry.j.siegwl.op_sit_pages ۹۹ _ ۱۰۱.